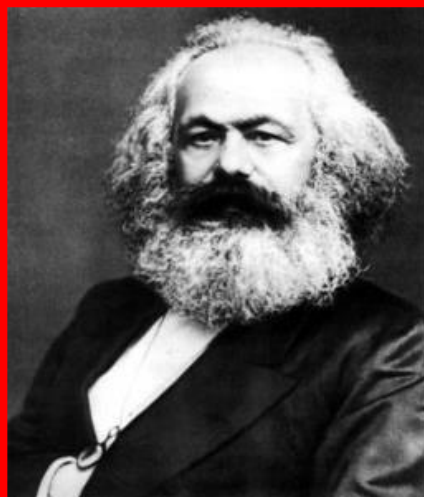


مباحثه ای با

گرایش کمونیست انترناسیونالیست:

ابهام در انجام وظایف انترناسیونالیستی



در دفاع از مارکسیسم

صدای انترناسیونالیستی

بحث و مناظره برای انترناسیونالیستها حیاتی، ضروری و لازم است. جنبش انقلابی نمی تواند قدمهای موثری بر دارد مگر اینکه انترناسیونالیستها نقشی پویا و دینامیک در تکامل این جنبش داشته باشند. این تنها از طریق جدل و مباحثه از دیدگاههای متفاوت درون فضای سیاسی پرولتری امکان پذیر است.

آدرس سایت و ایمیل صدای انترناسیونالیستی به قرار زیر است:

**Homepage:**

**[www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)**

**Email:**

**[contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)**

**تلگرام:**

**<https://t.me/intvoice>**

**انقلاب کمونیستی یا ناپودی بشریت!**

## فهرست مطالب:

مقدمه.....	۴
تجارب تاریخی کمونیست چپ.....	۶
جنبش‌های مردمی یا مبارزه طبقاتی.....	۸
تنش های امپریالیستی.....	۱۲
اتحادیه ها در مقابل طبقه کارگر.....	۱۹
رفرمیسم یا چپ سرمایه.....	۲۱
مفهوم شوراهای کارگری.....	۲۳
محدودیت های گسترش اعتصاب.....	۲۶
شکست اعتصاب.....	۲۸
ضرورت حزب کمونیست انترناسیونالیست.....	۳۲
یادداشتها:.....	۳۸
خطوط اصلی مواضع:.....	۴۰

"فیلسوفان جهان را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند، مهم  
اما دگرگون کردن آن است." مارکس

## مقدمه

گرایش کمونیست انترناسیونالیست [۱] یکی از جریانات اصلی کمونیست چپ است که ریشه در فراکسیون کمونیست چپ ایتالیا دارد. گرایش کمونیست انترناسیونالیست چه در دوره فراکسیون کمونیست چپ ایتالیا و چه بعد از آن، در دوره سیاه ضد انقلاب از مواضع انترناسیونالیستی دفاع کرده است، واحد هائی در کشورهای مختلف دارد و نشریاتی به چندین زبان منتشر میکند. گرایش کمونیست انترناسیونالیست با توجه به مواضع انترناسیونالیستی، تعلق به کمونیست چپ و دهه‌ها دفاع از مواضع پرولتری مسئولیت بیشتری در دفاع از مواضع کمونیستی و مارکسیسم دارد.

در حوادث اعتراضات دانشجویی تیر ماه ۱۳۷۸ که دانشجویان در اعتراض به بسته شدن یک روزنامه اصلاح طلب شکل گرفت و به سیاهی لشکر جناحی از بورژوازی تبدیل شدند و همچنین در جریان جنبش سبز که در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸ شد، مردم عملاً به سیاهی لشکر جناحی از بورژوازی تبدیل شدند. از نظر ما هر دوی این اعتراضات ارتجاعی و در مقابل مبارزه طبقاتی بوده است. با گذشت زمان در دی ماه ۱۳۸۶ شاهد اعتراضات مردمی خیابانی بودیم. اعتراضات دی ماه ۱۳۸۶ برخلاف اعتراضات قبلی ارتجاعی نبود، به سیاهی لشکر جناح بخصوصی از بورژوازی تبدیل نشد، بلکه یک

اعتراضی مردمی با نکات ضعف و قوت بود. برای یک درک بهتر از این اعتراض به مقاله ما تحت عنوان "اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه داری و مواضع انترناسیونالیستی" [۲] مراجعه شود. در روند حوادث اجتماعی، اعتراضات و اعتصابات کارگری که هر روز رادیکالتر می شد در پائیز ۱۳۸۷ در مقطعی از حالت تدافعی خارج شد و شکل تهاجمی به خود گرفت. بیان اعتراضات و اعتصابات کارگری طی جزوه ای منتشر شده است. [۳] جریانات انترناسیونالیستی در رابطه با حوادثی که اشاره کردیم، نقش پاسیو ایفا کردند و در بهترین حالت به انتشار یک مقاله فرمالیته بسنده کردند که بیشتر ابهام آفرین بوده تا کمک به شفافیت سیاسی. اما گرایش کمونیست انترناسیونالیست در رابطه با اعتراضات کارگری اخیر چهار مقاله انتشار داد و سعی کرد نقشی فعال ایفا کند. مقالات منتشر شده به قرار زیر است:

- بحران و خیزش مبارزه جویی کارگری در ایران [۴]
- اعتصاب و اعتراضات کارگران ادامه دارد [۵]
- اعتصابات کارگری در ایران: این بار فرق میکند [۶]
- حزب طبقاتی در پرتو مبارزات کارگری در ایران [۷]

سواى از اینکه مقالات از افق انترناسیونالیستی نگاشته شده، انتشار مقالات در مقاطع مختلفی توانسته است، بخش بیشتری از پروسه اعتراضات کارگری را در بررسی خود قرار دهد. انتشار همزمان مقالات به چندین زبان، توانست مواضع انترناسیونالیستها را در میان هیاهوی چپ سرمایه هر چند ضعیف به اطلاع سایر هم

طبقه ایها برساند. علیرغم نکات قوت بسیار زیاد این مقاله ها، آنها دارای نکات ضعف و پاره ای ابهامات هستند که امید است با اشاره به آنها و با درس آموزی از آنها، گامی در راستای شفافیت فضای سیاسی پرولتاری باشد.

## تجارب تاریخی کمونیست چپ

سوال اساسی که مطرح می شود، این است چرا ما به سابقه و میراث تاریخی گرایش کمونیست انترناسیونالیست پافشاری می کنیم؟ آیا گرایش کمونیست انترناسیونالیست بخاطر میراث تاریخی خود باید از حقوق ویژه ای برخوردار شود؟ مقاله مینویسد:

"اما اگر در نهایت «اصل و نسب» مهم نیست، پس چرا اصرار زیادی بر تاریخ چپ کمونیست وجود دارد؟ آیا ما قبلا ندیدیم که چگونه چپ کمونیست اسپانیا هرگونه حساب تاریخی خود را که مدعی «میراث تاریخی یا اعتبار یا حق ارشدی» باشد را رد کرد... تلاش برای شروع «از ابتدا»، چشم پوشیدن از تجربه تاریخی و سیاسی قرن گذشته، به این میماند که خودمان را به طور دقیق در برابر خطرات اخیر و فعلی خلع سلاح کنیم." [۸]

همانطوری که خود مقاله نیز اشاره می کند، تاکید و پافشاری بر میراث تاریخ کمونیست چپ و گرایش کمونیست انترناسیونالیست بخاطر بهر مند شدن از آن تجارب تاریخی است تا در مقابل حوادث اجتماعی و با مراجعه به حافظه تاریخی با تجربه کافی و با درس

گیری از اشتباهات گذشته با حوادث اجتماعی برخورد کرده و میزان اشتباه را پائین بیاوریم.

یکی از مسائل مهمی که هم ما و هم گرایش کمونیست انترناسیونالیست توافق نظر داریم آن است که سازمان انقلابی اقلیت کوچکی از طبقه را در بر می گیرد و پیشقراول پرولتاریا را تشکیل میدهد. وظیفه آن رهبری سیاسی (قطب نمای سیاسی) در مبارزه طبقاتی است. به عبارت بهتر سازمان انقلابی نقش خودش را به سطح انتشاراتی انقلابی تنزل نمی دهد بلکه نقش فعالی در تکامل آگاهی طبقاتی و شفافیت سیاسی فضای سیاسی پرولتری ایفا می کند. همگی اینها بخاطر آن است تا سازمان انقلابی زمینه را برای حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین المللی مهیا کند و وظیفه حزب نیز دفاع از برنامه کمونیستی تا محو طبقاتی اجتماعی است. رفقاً بدرستی اشاره می کنند:

"وظیفه حزب، مبارزه برای برنامه کمونیستی در شوراها است، اما بیشتر از همه، تمرکز بر گسترش انقلاب جهانی تا محو سرمایه داری از صفحه روزگار، خواهد بود." [۹]

با این توضیحات به این مسئله برمیگردیم که گرایش کمونیست انترناسیونالیست علیرغم تلاش فعال خود، وظیفه خود را در رابطه اعتراضات کارگری اخیر بدرستی ایفا نکرد. علیرغم تجربه و میراث تاریخی صد ساله در بعضی زمینه ها ابهام آفرینی نیز کرده است.

## جنبش‌های مردمی یا مبارزه طبقاتی

یکی از ابهامات گرایش کمونیست انترناسیونالیست مغشوش کردن جنبش‌های مردمی با جنبش طبقاتی پرولتری است. گرایش کمونیست انترناسیونالیست اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ در ایران را آغاز اعتراضات و اعتصابات کارگری در سال ۱۳۹۷ اعلام می‌کند و چنین می‌نویسد:

"دی ماه سال پیش آغاز این حرکت نو بود، تظاهراتی که با شعار «اصول گرا اصلاح طلب دیگه تمام ماجرا»، تمایل خود را به کنار گذاشتن ایده «انتخاب میان بد و بدتر» بصورت کاملاً عریان نشان داد و نیز توانست خود را از شعارهای مذهبی که دهه‌ها دست و پایش را بسته بود بکلی رها کند." [۱۰]

کاملاً درست است که در اعتراضات مردمی دی ماه ۱۳۹۶ شعارهای مذهبی مطرح نشد و اعتراضات نیز شکل ضد مذهبی بخود گرفت و این نیز کاملاً درست است که اعتراضات هر دو جناح حاکمیت را نشانه گرفت. اما اینکه اعتراض کنندگان تمایل خود را به کنار گذاشتن ایده انتخاب میان بد و بدتر بصورت کاملاً عریان نشان دادند، تصویر درستی از اعتراضات مردمی نیست. آیا شعارهای سلطنت طلبانه که از سوی برخی از معترضین که خواستار سلطنت بودند، انتخاب یکی دیگر از "بدتر"ها نیست؟ بورژوازی فقط بورژوازی در حاکمیت نیست. اتفاقاً به میمنت همین



اعتراضات بود سلطنت طلبان جان تازه ای گرفتند، سلطنت طلبی حداقل در داخل کشور به تاریخ گذشته پیوسته بود و گانگسترهای غربی و در راس آن آمریکا سعی کردند از این اعتراضات در راستای منافع امپریالیستی خود استفاده کنند.

در همین اعتراضات مردمی، حتی انتخاب "بدتر" دیگری نیز صورت گرفت، شعار راسیستی «ما آریائی هستیم، عرب نمی پرستیم» مطرح شد که می‌توانست در راستای اضمحلال جامعه و یوگسلاویزه شدن جامعه باشد. چرا که در جنبش های مردمی همچون جنبش «جلیقه زردهای» فرانسه همه شرکت می کنند حتی طرفداران جبهه ملی به رهبری مارین لوپن. در اعتراضات مردمی ایران نیز، حتی طرفداران مارین لون ایرانی، یعنی طرفداران نژاد برتر آریایی نیز شرکت کردند. بر عکس اعتراضات مردمی، در اعتراضات پرولتری نه تنها راسیسم مفهومی ندارد بلکه عالیترین شکل همبستگی طبقاتی خود را نشان میدهد. در همان اعتراضات کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه، عوامل کارفرما سعی کردند یک کارگر "عرب" را به شکل راسیستی مورد آزار و اذیت قرار دهند. کارگران به شکل جمعی به مخالفت با عوامل کارفرما برخاستند و در چنین زمینه ائی بود که نماینده کارگران اعلام کرد:

"آلترناتیو ما شورا و جمعی است ما فرد محور نیستیم و فرد طلب نیستیم فرد طلبان و ناسیونالیست ها و نژاد پرست ها و مرتجعین خودشنو به ما نجسبوندند." [۱۱]

رفقا به یکی سازی جنبش های مردمی با جنبش های پرولتری ادامه میدهند و "اعدام مبارزین کرد" را در کنار سرکوب کارگران و بخشی از سرکوب جنبش طبقاتی قرار میدهند و چنین می نویسند: "متعاقب آن، علی رغم صدور احکام قرون وسطایی و مجازات کارگران هیکو به شلاق، ضرب و شتم نمایندگان کارگری، دستگیری نمایندگان معلمین اعتصابی، اعدام مبارزین کرد،.... مبارزات و اعتصابات کارگری روز بروز بیشتر شد." [۱۲]

ابتدا باید تاکید کرد، اعدام یک قتل عمد است، یک جنایت است و تحت هر شرایطی محکوم است. اما "مبارزان" کرد چه ربطی به جنبش طبقاتی دارند؟ از کی فعالین جنبش ناسیونالیستی لقب مبارز گرفتند؟ آیا ماهیت اساسی بین باند زحمتکشان کومله و جمهوری اسلامی وجود دارد؟ اگر آن جناح از کومله که خود را حزب کمونیست می داند و قوانین متعارف بورژوائی را رعایت می کند، باند زحمتکشان کومله بخصوص پس از به قدرت رسیدن ترامپ فقط یک ابزار فشار ترامپ و کشورهای غربی و مخصوصا عربی شده است. این باند حتی برای دوستان سابق خودش، طرح ترور می ریزد.

گرایش کمونیست انترناسیونالیست به درستی تاکید می کند که دروغهای زیادی در رسانه های اجتماعی و رسانه های جمعی سرمایه داری در رابطه با اهداف جنبش کارگری وجود دارد و چنین می نویسند:

"در حال حاضر دروغهای زیادی در رسانه های اجتماعی و رسانه های جمعی سرمایه داری، در مورد اهداف جنبش وجود دارد، شایع ترین آن این است که کارگران صرفاً خواستار دولتی شدن دوباره شرکت هستند." [۱۳]

پاراگراف بالا یک سوال اساسی را برای هر انسان جدی مطرح میکند. چرا رسانه های اجتماعی و جمعی سرمایه داری غربی اعتراضات مردمی دی ماه ۱۳۶۹ را به بهترین وجه ممکن پوشش گسترده دادند، اما در مقابل اعتراضات و اعتصابات کارگری پائیز ۱۳۹۷ سکوت کردند و اگر هم مجبور شدند چیزی بگویند، تنها به دولتی شدن و یا پرداخت حقوقهای معوقه اکتفا کردند؟

این سوال نشان میدهد، گرایش کمونیست انترناسیونالیست، زمانی که اظهار میدارد اعتراضات و اعتصابات کارگری ادامه اعتراضات مردمی و خیابانی دی ماه ۱۳۹۶ است، نوعی ابهام سازی میکند و جنبش های مردمی را با جنبش پرولتری مخدوش میکند.

بی بی سی، صدای آمریکا، صدای اسرائیل، رادیو فردا (رادیو کنگره آمریکا) و دهها رادیو و تلویزیون دیگر میتوانند از دمکراسی، آزادی، علیه دیکتاتوری آخوندی و غیره حرف بزنند. ولی قرار نیست آنها از جنبش طبقاتی حرف بزنند و شورای کارگری را تبلیغ کنند. برده مزدی در همه جای این کره خاکی، برده مزدی است. در جایی که مجسمه آزادی قرار دارد، در جاییکه ۳۴/۵ درصد از کل ثروت جهان قرار دارد، طی گزارشی که بی

بی سی (یک رسانه دوست آمریکا) در سال ۲۰۱۱۱ منتشر کرد حدود ۴۶/۲ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی میکنند. [۱۴]

با بروز جنبش های مردمی دی ماه خطر اضمحلال جامعه و سرنوشت سوریه پیدا کردن وجود داشت اما با شدت یابی مبارزه طبقاتی در پائیز گذشته میزان این خطر فعلا کمتر شده است. جنبش های مردمی و جنبش طبقاتی پرولتری، دو جنبش متفاوت هستند و طبقه کارگر تنها از زمین طبقاتی خود میتواند به حملات بورژوازی پاسخ دهد.

### تنش های امپریالیستی

ما بر این باوریم، شرایط جنگی و یا حتی خطر تهدیدات جنگی شرایط مناسبی برای رشد و تکامل مبارزه طبقاتی نیست بلکه آگاهی طبقاتی در کنار بحران های اقتصادی شرایط مناسبی برای رشد مبارزه طبقاتی ایجاد می کند. پیشروی پوپولیسم در سطح جهانی و در راس آن روی کار آمدن ترامپ به نفع طبقه کارگر نبوده است، بخصوص در سرمایه داری پیرامونی در حال بحران و با تحریمهای کمرشکن، صنایع ایران بیش از پیش بسوی ورشکستگی میروند و بیکاری میلیونی را به ارمغان میآورد. تنش های امپریالیستی بین گانگسترهای اسلامی و آمریکائی تا مرحله ای به نفع بورژوازی اسلامی است، اما روی کار آمدن ترامپ و بدنبال آن تنبیه بورژوازی اسلامی از طریق تحریمهای کمر شکن به ضرر بورژوازی اسلامی بوده است. بورژوازی اسلامی برای پیشبرد

اهداف و منافع امپریالیستی خود با مشکلات جدی روبرو شده است. پیش از ادامه بحث ببینیم گرایش کمونیست انترناسیونالیست چگونه به این مسئله می‌نگرد.

"ترامپ برای جمهوری اسلامی هدیه ایست با ارزش. با روی کار آمدن دولت ترامپ، صف آرای امپریالیستی نسبت به گذشته آشکار تر و روشن تر شده است. در یک طرف این صف بندی، دولت جمهوری اسلامی قرار دارد که از صفوف خود تحت عنوان «جبهه مقاومت» یاد میکند که کجدار و مریز از طرف روسیه و چین نیز حمایت میشود. در این جبهه ایران با اتکا به دولت بشار اسد، حزب الله، حماس و انصار الله در یمن، سیاست های منطقه ای خود را به پیش میبرد... در طرف دیگر این صف آرای امپریالیستی، امریکا با حامیان منطقه ای خود، عربستان و اسرائیل قرار دارند. صرف نظر از آشفتگی این مثلث ناهمگون، بنظر می آید که سیاست های ترامپ مثل دوران بوش پسر در نهایت دوباره خواسته و یا ناخواسته به پیشبرد سیاست های ایران در منطقه کمک خواهد کرد." [۱۵]

این اظهارات ابهاماتی دارد که به آنها اشاره می‌کنیم. تنش های امپریالیستی نه محصول دولتهای نا متعارف بلکه ریشه در سیاست امپریالیستی گانگسترها دارد و بخشی از متابولیسیم سرمایه داری است.

آمریکا در راستای حفظ هژمونی خود در نظم نوین جهانی حمله به عراق را در دستور خود قرار داد. کالین پاول در لانه دزدان (سازمان ملل) با گرفتن شیشه ای در دست اظهار داشت "عراق دارای تسلیحات گشتار جمعی است". آمریکا در عراق حمام خون بر انداخت تا چین، روسیه و اروپائیان به هژمونی اش تمکین کنند. اما حمله به عراق و سرنگونی صدام، دشمن خونی ایران را از راه برداشت و زمینه را برای نفوذ گانگسترهای ایرانی باز کرد. بدنبال آن عراق عملاً به حوزه نفوذ ایران درآمد.

ایران، ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل در راستای جاه طلبی های امپریالیستی خواهان ایفای نقش قدرت منطقه ای برای خود هستند. در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما گانگسترهای غربی علیرغم نارضایتی عربستان- اسرائیل به توافق رسیدند که به ایران نقش قدرت منطقه ای قائل شوند. در حقیقت توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به مفهوم پذیرش ایران بعنوان قدرت منطقه ای از سوی قدرتهای اصلی بود. ما به این مسئله در جزوه ای تحت عنوان "تنش ها و توافقات امپریالیستی موضع و افق انترناسیونالیستی" مورد بررسی قرار دادیم. [۱۶] در این دوره بورژوازی اسلامی توانست از موقعیت بهتری برای پیشبرد منافع امپریالیستی خود برخوردار شود.

عربستان و اسرائیل و حتی تا حدودی ترکیه از پذیرش گانگسترهای ایرانی بعنوان قدرت منطقه ای ناراضی بودند و در تلاش بودند، تا قدرت نفوذ ایران را محدودتر کنند. عروج خلافت اسلامی از یک گروه گمنام تحت عنوان دولت اسلامی شام و عراق

و تبدیل آن به یک قدرت توسط عربستان، ترکیه و قطر و با حمایت غربی ها، بخصوص آمریکا برای مقابله با نفوذ ایران بود. گانگسترهای ایرانی توانسته بودند عراق، سوریه و تا حدودی لبنان را به حوزه نفوذ خود بیاورند. [۱۷]

شکست خلافت اسلامی چه در عراق و چه در سوریه با مشارکت ایرانی ها انجام گرفت و حتی این مسئله باعث شد نفوذ ایرانی ها بیشتر شود. ترامپ وعده داده بود اگر سر کار بیاید، نقش قدرت منطقه ای را از ایران خواهد گرفت. این مسئله از سوی عربستان و اسرائیل حمایت می شد. خارج شدن آمریکا از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اعمال و تحریمهای کمر شکن علیه ایران، توسط آمریکا بخاطر آن است که ایران از خواسته خود بعنوان قدرت منطقه ای کوتاه بیاید.

اما اعمال تحریمهای سنگین علیه ایران، این بار برای بورژوازی ایران برخلاف اظهارات گرایش کمونیست انترناسیونالیست مشکلات اقتصادی، امنیتی و سیاسی عظیمی به بار آورده است و بورژوازی اسلامی را در اجرای سیاستهای امپریالیستی خود با مشکلات جدی روبرو است. تبعات تحریمهای سنگین بر طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی برای ما مهم است. اگر چه تحریم بورژوازی ایران توسط غربی ها پدیده تازه ای نیست، اما بورژوازی اسلامی هرگز مورد تحریم کامل نفتی قرار نگرفته بود. اقتصاد ورشکسته سرمایه پیرامونی ایران بشدت وابسته به درآمد نفت است.

نتایج تحریم های کمر شکن را نه تنها در داخل ایران بلکه در لبنان (حزب الله)، سوریه و حتی یمن و در دیگر جاها شاهدیم. از سوی دیگر اسرائیل با چراغ سبز آمریکا و اروپائیان بارها و بارها حملات گسترده ای را علیه مواضع ایرانیان در سوریه انجام داده است و گانگسترهای ایرانی فقط سکوت میکنند و تحقیر می شوند. روسیه منافع امپریالیستی خود را ترجیح میدهد و میخواهد نوعی توازن و تعادل را در روابط خود با ایران و اسرائیل حفظ کند. آگاهی از حملات اسرائیل به مواضع ایرانیان در سوریه و یا خود مواضع سوریه و عدم تلاش روسیه برای جلوگیری از آن شبه هائی را که بوجود آمده بود، بیشتر به یقین تبدیل می کند. نتیجه آن نوعی بی اعتمادی به روسیه در این اواخر بوده است، در چنین زمینه ائی است که سپاه قدس (شاخه برونمرزی سپاه) بشار اسد رئیس جمهور سوریه را در ۶ اسفند ۱۳۹۷ بدون اطلاع روسیه و حتی بدون اطلاع وزارت امور خارجه ایران به تهران آورد.

ایران با میلیاردها دلار کمک توانسته بود اقتصاد نابسامان سوریه را سر پا نگه دارد. الان نه تنها قادر به چنین کمک هائی نیست، بلکه بخاطر تحریمها نفتکش ها نمی توانند نفت را به سوریه ببرند و نتیجه آن صف های طولانی در پمپ بنزین ها شده است. آمریکا برای اولین بار بخشی از نیروی نظامی یک کشور را تحریم کرد و سپاه پاسداران را بعنوان نیروی تروریستی اعلام کرد. متقابلاً شورای عالی امنیت ملی ایران، نیروهای نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا موسوم به سنتکام را در فهرست گروه های تروریستی جمهوری اسلامی ایران قرار داد. علیرغم تنش های امپریالیستی



آمریکا و سپاه پاسداران نوعی رابطه مستقیم و یا غیر مستقیم را تا این اواخر حفظ کرده بودند.

رونالد ریگان به پاس خدمات ایرانیان در کمک به آزادی گروه‌گانه‌های آمریکائی در لبنان و در راستای تقویت رابطه با ایران انجیلی را پشت نویسی کرد و به رهبران ایران ارسال کرد. در سال ۱۳۶۵ انجیل پشت نویسی شده توسط رونالد ریگان را نه مک فارلین بلکه معاون وقت اطلاعات سپاه به ایران آورد و تحویل هاشمی رفسنجانی داد. این رابطه و همکاری در جنگ بوسنی ادامه داشت. در جریان لشکر کشی آمریکا به افغانستان و شکست طالبان، سپاه پاسداران کمک بزرگی به نیروهای آمریکائی کرد و سر انجام در عراق ما شاهد این همکاری هستیم، در عراق خیلی گسترده تر از جاهای دیگر بود. [۱۸] حالا سپاه پاسداران بعنوان نیروی تروریستی معرفی شده است.

تحریم کامل نفتی ایران، تحقیر شدن گانگسترهای ایرانی در سوریه از طرف اسرائیل، در لیست تروریست قرار گرفتن سپاه پاسداران از سوی آمریکا، تلاش کشورهای عربی برای ضربه زدن به اقتصاد ویران ایران و دهها فاکتور دیگر، تنش های امپریالیستی را بیش از پیش حاد کرده است. در چنین زمینه ائی است که ما شاهد جابجائی هائی در نهادهای بورژوائی اسلامی هستیم. نه فقط فرمانده کل سپاه عوض شد بلکه جابجائی هایی نیز در رده های مختلف سپاه پاسداران انجام گرفت، رئیس قوه قضائیه عوض شد، در مجلس خبرگان نیز جابجائی انجام گرفت و غیره. همگی اینها بیانگر نوعی

آماده سازی برای شرایط جدید است. حسین سلامی پس از انتخاب شدن بعنوان فرمانده جدید سپاه اعلام کرد:

"ما باید قلمرو اقتدارمان را از منطقه به جهان گسترش دهیم تا نقطه امنی برای دشمن در سراسر جهان وجود نداشته باشد." [۱۹]

حتی شخصی چون حسن روحانی که سعی میکند زبان دیپلماسی را رعایت کند، در رابطه با احتمال مذاکره با آمریکا با زبان دیگری سخن گفت و ترامپ را لات و چاقو کش خطاب قرار داد و چنین گفت:

"بدون تردید قبول خواسته فرد چاقوکشی که به زور و به دروغ به دنبال مذاکره است، مطمئناً به جایی نخواهد رسید و ما با فرد چاقوکش و فرمول چاقوکشی مذاکره نمی‌کنیم و قبول چنین مذاکره‌ای به معنای ذلت و تسلیم است." [۲۰]

تمامی این استدلالها بیانگر آن است که برخلاف استدلال گرایش کمونیست انترناسیونالیست ترامپ برای جمهوری اسلامی هدیه ای با ارزش نیست. بورژوازی اسلامی امیدوار است در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ شخصی دمکرات پیروز شود تا کمی از فشار بحرانهای ناشی از تحریمهای کمر شکن آمریکا کاسته شود. اما

انتخاب مجدد ترامپ، یک کابوس برای بورژوازی اسلامی است و شرایط را برای بورژوازی اسلامی سخت تر از پیش خواهد کرد. اما بهای این تنش های امپریالیستی را طبقه کارگر و مردم میپردازند. هر روز بخشی از طبقه متوسط، به بخش تحتانی جامعه پرتاب میشود، هر روز ما شاهد سیاست ریاضت اقتصادی بیشتر هستیم، هر روز به سطح معیشت طبقه کارگر چنگ انداخته می شود. با افزایش تنش های امپریالیستی بخصوص در ماههای اخیر، بورژوازی اسلامی، تهدید خارجی را بهانه ای کرده است تا هم سیاست ریاضت اقتصادی خود را راحت تر پیش ببرد و هم سیاست سرکوب خود را. قطعاً اینها مبارزه طبقاتی را تحت تاثیر قرار خواهند داد. همانطوری که پیشتر اشاره شد شرایط جنگی و یا حتی خطر تهدیدات جنگی شرایط مناسبی برای رشد و تکامل مبارزه طبقاتی نیست بلکه آگاهی طبقاتی در کنار بحران های اقتصادی شرایط مناسبی برای رشد مبارزه طبقاتی ایجاد می کند.

### **اتحادیه ها در مقابل طبقه کارگر**

اتحادیه های کارگری بخشی از دولت سرمایه هستند که وظیفه آنها چه در سرمایه متریول و چه در سرمایه پیرامونی بعنوان بخشی از نهاد سرمایه، مدیریت فروش نیروی کار است. ابتدا به پاراگرافی از نوشته گرایش کمونیست انترناسیونالیست نگاه می‌کنیم:

"اما در مورد سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه؛ این سندیکا در سال ۱۳۵۳ تأسیس شد اما بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، فعالیت خود را مجدداً در سال ۱۳۸۷ شروع کرد. اگر چه رهبران آن بلافاصله تحت «تهدید امنیت ملی» بازداشت شدند، اما همچنان به حیات خود ادامه داده و نمایندگان خود را در مقاطع مختلف انتخاب کرده است. سخنگوی فعلی کارگران، اسماعیل بخشی است که چندین بار بازداشت شده است. در مقاله قبلی ما در مورد تشکیل شورا از او نقل قول کردیم. از آن زمان این جنبش وسعت بیشتری یافته است." [۲۱]

اولین ابهام پارگراف بالا این است که خواننده تصور می‌کند یک سندیکای کارگری با عملکرد سندیکائی در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه فعالیت دارد. واقعیت این است تشکلی که با نام سندیکا فعالیت می‌کند نه سندیکا به مفهوم واقعی آن بلکه یک تشکل کارگری با افت و خیز هائی بوده است و مادام‌العمر نمی‌تواند به این شکل به فعالیت خود ادامه بدهد یا باید در راستای قانونی شدن قدم بردارد و در دولت سرمایه ادغام شود و یا اینکه بعنوان تشکل کارگری به فعالیت خود ادامه دهد.

دومین ابهام پارگراف بالا این است که خواننده این برداشت را میکند که گویا سندیکا خواهان شوراهای کارگری است. به عبارت بهتر قرار دادن غیر مسئولانه خواست شوراهای کارگری از طرف کارگران در کنار نام یک تشکلی که نه سندیکا به مفهوم عملکردی

آن است و نه یک تشکل کارگری که خواهان شوراهای کارگری است.

سومین ابهام پاراگراف بالا این است که خواننده تصور می کند اسماعیل بخشی نماینده سندیکا بوده است. اسماعیل بخشی نه به عنوان نماینده سندیکا بلکه بعنوان نماینده کارگران دستگیر شده و در حال حاضر نیز بخاطر رهبری اعتصاب کارگری در زندان است.

گرایش کمونیست انترناسیونالیست معتقد است که اتحادیه های کارگری نهاد های دولت سرمایه در محل کار هستند، اما علیرغم اینها در این نوشته ها هیچ نقدی، هیچ افشاگری از اتحادیه های کارگری به چشم نمی خورد.

اتحادیه های کارگری (حتی سندیکاهای کارگری) اولین سنگرهای هستند که طبقه کارگر در تکامل مبارزه طبقاتی مجبور به فتح آنها خواهد شد. تکامل مقطعی مبارزه طبقاتی در ایران از حالت دفاعی به حالت تهاجمی، نشان داد نه اتحادیه، نه سندیکا بلکه این شوراهای کارگری هستند که تشکیل خواهند شد.

## رفرمیسم یا چپ سرمایه

زمانی امکان تحمیل رفرمهای پایدار به سرمایه داری وجود داشت و اصلاً بخشی از وظایف احزاب متشکل در انترناسیونال دوم، تلاش برای تحمیل همین رفرمها به سرمایه داری بود. با ورود سرمایه داری به عصر انحطاط خود، دیگر امکان تحمیل رفرم به سرمایه داری وجود نداشت و با تشکیل انترناسیونال کمونیستی،

عصر جنگ‌های امپریالیستی و انقلابات کمونیستی شروع شد. اما گرایش کمونیست انترناسیونالیستی بارها از «رفرمیست» در مقاله‌های خود استفاده کرده است. رفقا چنین می‌نویسند:

"درحالی‌که اپوزیسیون رنگارنگ این رژیم بدنبال اهداف رفرمیستی و ناسیونالیستی خود، مشغول چانه زنی و گدایی سهم خود از این هیئت حاکمه اند..." [۲۲]

و در مقاله دیگر چنین ادامه می‌دهد.

"طبقه حاکم مثل همیشه از سرکوب و حشيانه و بیرحم خود و همچنین از ترفندهای کثیف همیشگی که توسط رفرمیست‌های جناح چپ سرمایه انجام میشود، بیشترین استفاده را خواهد کرد." [۲۳]

ما از رفقا خواهش می‌کنیم، نام یکی از این رفرمیست‌های جناح چپ سرمایه را برای اطلاع ما و دیگران معرفی کنند، بخصوص اینکه رفقا از جمع استفاده می‌کنند. جریاناتی که گرایش کمونیست انترناسیونالیست آنها را "رفرمیست" ارزیابی می‌کند بیشترین سهم را در به‌لجن کشیدن اهداف و ارزش‌های کمونیستی ایفا کرده‌اند. تاریخ فضای سیاسی ایران، تاریخ چپ سرمایه و بخصوص تاریخ تسلط بلامنزاع استالینسم بوده است.

علت این امر همجواری ایران با روسیه بود. از یک طرف کمینترن رضا شاه را بورژوازی ملی اعلام کرد و از سوی دیگر رضا شاه با تصویب قوانین ضد اشتراکی در مجلس شورای ملی به تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ زمینه سرکوب کمونیستهای ایرانی را هم در ایران و هم در روسیه مهیا کرد. شریفترین کمونیست ها که رهبری حزب کمونیست ایران را تشکیل میدادند و در انقلاب اکتبر شرکت داشتند توسط قاتل کمونیستها (استالین) اعدام شدند. یکی از برجسته ترین تئوریسین های جنبش کمونیستی (سلطانزاده) که مواضع حزب کمونیست ایران را تدوین کرد و سپس از موضع کمونیستی منتقد کمینترن بود توسط استالین به خون تپیده شد. [بزودی مقاله ای در این زمینه منتشر خواهد شد.] تنها کسانی که به استالینیسم تمکین کردند، زنده ماندند و روایت استالینیستی از مارکسیسم ترویج دادند.

## مفهوم شوراهای کارگری

سرمایه داری و بورژوازی، فرقی نمی کند چه سرمایه متروپل و چه سرمایه پیرامونی میتواند تحمل خیلی از فعالیتها و تشکل ها را داشته باشد، حتی سرمایه دوراندیش در راستای اهداف درازمدت سرمایه بخشی از آنها را توصیه میکند اما حتی بیان شوراهای کارگری حکم "ارتداد مطلق" را دارد. گرایش کمونیست انترناسیونالیست بدرستی تاکید می کند که کارگران هفت تپه نشان دادند، آینده متعلق به شوراها است.

"آنچه که در جریان اعتصاب در هفت تپه اتفاق افتاد، یک شروع روشن و امیدوارانه جنبش طبقه کارگر ایران بود تا از سنت محدود قانونی اتحادیه پا را فراتر بگذارد. کارگران هفت تپه به روشنی و قاطعیت نشان دادند که آینده متعلق به شوراهاست." [۲۴]

اما متأسفانه گرایش کمونیست انترناسیونالیست برداشت خود از «شوراهای کارگری» را ارائه نمیدهد یا به عبارت بهتر از موضع کمونیستی از به لجن کشیدن مفهوم شوراهای کارگری نه فقط توسط راست و چپ سرمایه بلکه حتی توسط کسانی که خودشان را به کمونیسم شورائی آویزان می سازند، دفاع نمی کند. آن تجربه غنی صد ساله باید در چنین مقاطعی مورد استفاده قرار گیرد و حقانیت مواضع انترناسیونالیستها را نشان دهد.

آیا شورا تشکلی برای افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار، تامین امنیت شغلی و غیره است؟ انطوری که «کارگران ضد سرمایه داری» اظهار میدارند؟ فرق شوراهای کارگری با دیگر تشکلهای کارگری چیست؟ آیا لنین حق داشت در ژوئیه ۱۹۱۷ موقتا از شعار، «تمام قدرت بدست شوراها» عقب نشینی کند؟

شوراهای کارگری عالی ترین شکل تشکل کارگری هستند. زمانی که مبارزه طبقاتی حاد می شود و دو طبقه اجتماعی همدیگر را به چالش می کشند، نه بورژوازی قادر به ادامه حکومت است و نه پرولتاریا هنوز سرمایه داری را واژگون کرده است، در شرایط تاریخی خاصی یعنی حالتی که جامعه حالت قدرت دوگانه را دارد



شوراهای کارگری شکل می‌گیرند. در چنین شرایطی شوراهای کارگری شکل می‌گیرند تا کنترل کارخانه‌ها و محلات را از پائین بدست بگیرند و خودشان را بعنوان آلترناتیو قدرت سرمایه‌داری معرفی کنند. کارگران همچنین ارگانهای دفاع از شوراهای خود را نیز تشکیل می‌دهند. شوراهای کارگری نطفه‌های اولیه دیکتاتوری پرولتاریا هستند.

اسماعیل بخشی در توضیح بیشتر شورای مستقل کارگری توضیح می‌دهد، شوراهای تشکیل شده در هفت تپه همان شوراهای غایبی نیستند بلکه تفکر شورائی خود را در میان کارگران نشان داده و این تفکر غالب شده است. توضیحات اسماعیل بخشی بسیار واضح است و نیازی به تفسیر نیست. او می‌گوید:

"وقتی می‌گوییم شورای مستقل کارگری در هفت تپه تشکیل شد، برخی گمان می‌کنند که این شورا همان شورای غایبی است که به حد اعلا رسیده. خیر! ما ابتدای راهیم و زمان می‌برد که حتی بین خود کارگران هفت‌تپه این موضوع تفهیم شود که کار شورایی چه هست... من مدعی نیستم که شوراهای کارگران هفت‌تپه عیناً منطبق بر تئوری و تعریف شوراهاست که در مورد آن به تفصیل صحبت شده؛ بلکه طبق روان‌شناسی فضای فکری و فرهنگی و واقعیت‌های موجود در فضای کارگری هفت تپه، تفکر شورایی خودش را نشون داد و غالب شد." [۲۵]

رفقا نه تنها توصیف روشنی از مفهوم و ماهیت شوراهای کارگری ارائه ندادند بلکه در اطلاع رسانی خود، دچار بی دقتی شدند. گرایش کمونیست انترناسیونالیست می نویسد:

"هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کارگران به وظایف خود عمل نکردند، در نقاط مختلف کشور، آنها ایجاد شوراها را، برای جایگزینی در برابر رکود جنبش یک سال پیش، تبلیغ و ترویج کردند." [۲۶]

افق تشکیل شوراهای مستقل کارگری تنها از سوی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه مطرح شد و اینکه در نقاط مختلف کشور ایجاد شوراها را تبلیغ و ترویج کردند، اطلاع رسانی درستی نیست. اتفاقاً عدم گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری به دیگر بخش ها، دلیل اصلی شکست اعتراضات کارگری در پائیز ۱۳۹۷ بود.

### **محدودیت های گسترش اعتصاب**

گسترش اعتراض و اعتصاب به دیگر صنایع و بخش های یکی از فاکتورهای اساسی برای پیروزی اعتراضات کارگری است. کارگران هم از قدرت بیشتری برخوردار می شوند و هم به راحتی میتوانند در انباشت سرمایه اخلاص ایجاد کنند و هم همبستگی طبقاتی خود را نشان دهند. اعتراضات کارگری در ایران اگر چه یک پدیده روزمره است اما متأسفانه این اعتراضات در همبستگی و در ارتباط

با هم اتفاق نمی افتد. به استثنای فولاد و هفت تپه دیگر همبستگی ها نمادین بودند، رفقا در این زمینه چنین می نویسند:

"هر چه قدر در باره اهمیت پیوند این اعتصاب با سایر اعتصابات و اتحاد و همبستگی کارگران گفته بشود، کم گفته شده است، جای بسی امیدواری ست که در روزهای گذشته شاهد نشانه های این همبستگی، نه صرفاً بشکل نمادین بلکه در کف خیابان ها و مراکز صنعتی بوده ایم. شعار تظاهرات فولاد اهواز «فولاد، هفت تپه، پیوندتان مبارک» بیانگر فعالیت خستگی ناپذیر فعالین کارگری در این شرایط بسیار سخت میباشد." [۲۷]

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که کارگران هفت تپه قهرمانانه جنگیدند، قهرمانانه در محاصره پلیس ضد شورش، آن هم در مرکز شهر شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" را سر دادند، زیباترین همبستگی طبقاتی را نشان دادند، بردگان مزدی که خیابان را زیر پای خود به لرزه درآوردند، اما متاسفانه این اعتراضات تنها توانست با فولاد اهواز همبستگی و ارتباط پیدا کند. ساعتها میتوان در رابطه با اهمیت و اهداف اعتصاب هفت تپه و یا حتی فولاد سخن گفت، اما متاسفانه این اعتصابات و اعتراضات کارگری نتوانست به دیگر صنایع، بخصوص صنایع کلیدی ایران یعنی صنعت نفت و صنعت خودرو سازی گسترش پیدا کند. یکی از دلایل شکست اعتراضات و اعتصابات پائیز ۱۳۹۷ نیز همین

محدودیت در گسترش اعتصاب به دیگر صنایع و بخش ها بود. تنها همبستگی نمادین با این اعتراضات و اعتصابات کارگری در بعضی جاها مطرح شد. بررسی این نکات ضعف و محدودیت ها، نه تنها از اهمیت اعتصاب هفت تپه نمی کاهد بلکه پرولتاریا را قادر می سازد تا در نبردهای آتی از موقعیت بهتری برخوردار شود.

این الفبای مبارزه طبقاتی است، زمانی که اعتراض و اعتصاب کارگری شروع می شود، بخصوص زمانی که مبارزه طبقاتی روز به روز رادیکالتر میشود، باید نکات قوت ها را برجسته کرد، باید روحیه ها را بالا برد، باید بر همبستگی تاکید کرد، اما وظیفه انترناسیونالیستها تنها تبلیغ و تهییج نیست. انترناسیونالیستها دنباله روان طبقه کارگر نیستند بلکه بخش پیشرو طبقه کارگر هستند، افق و دورنمای مبارزه را در دفاع از برنامه کمونیستی ترسیم می کنند. بر نکات ضعف، محدودیت ها، کاستی ها، اشتباهات و خطاها و از همه مهمتر تله و دامی که بورژوازی برایش پهن می کند، اشاره می کنند و هشدار میدهند و بر تجربه تاریخی پرولتاریا تاکید می کنند. دسیسه های بورژوازی میتواند اشکال متفاوت بخود بگیرد، در مقطعی شکل سرکوب نیروهای امنیتی و یا خطر گرایشات راست بورژوایی، در مقطعی دیگر از طریق چپ سرمایه.

## شکست اعتصاب

گرایش کمونیست انترناسیونالیست آخرین مقاله اش را بعد از شکست اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه انتشار داده است و این مقطع را نیز مورد بررسی قرار داده است. گرایش کمونیست

انترناسیونالیست بعنوان پیشقراول پرولتاریا، چگونه این شکست را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. یک روز قبل از شکست اعتصاب، در رابطه با آن نبرد به یاد ماندنی و با شکوه پرولتاریای شرکت نیشکر هفت تپه، رفقا چنین نوشتند:

"در اول دسامبر، ۲۷ مین روز اعتصاب و تظاهرات کارگران هفت تپه، دولت یک هیئت را برای مذاکره به شوش میفرستد، این هیئت مثل قبل تلاش کرد تا کارگران را با وعده های توخالی از ادامه اعتصاب و تظاهرات اعتراضی منصرف کنند. با این وجود، کارگران هفت تپه در برابر نمایندگان دولت کوتاه نیامدند و وعده های آنها را رد کردند و همچنان بر خواسته های خود که تا پیش از آن بارها اعلام شده بود تأکید ورزیدند." [۲۸]

روز قبل از شکست اعتصاب رفقا اظهار میدارند که کارگران همچنان بر خواسته های خود پافشاری می کنند. اما بعد از شکست اعتصاب، پیشقراول پرولتاریا اظهار میدارد که هیچ اطلاعی ندارد از اینکه «نمایندگان کارگران» که با عوامل دولت و کارفرما ملاقات کردند، چه کسانی بودند، نمیداند در آن روز چه اتفاقی افتاده و نمیداند چگونه کارگران به سر کار خود بازگشتند. گرایش کمونیست انترناسیونالیست چنین می نویسد:

"هیچ اطلاعاتی درباره اینکه این «نمایندگان کارگران» چه کسانی بودند وجود ندارد... ما نمی دانیم چه اتفاقی در آن روز اتفاق افتاده و یا چگونه کارگران به کار خود بازگشتند." [۲۹]

چون گرایش کمونیست انترناسیونالیست نمودند، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه چگونه به شکست کشانده شد، لذا چگونگی شکست اعتصاب با شکوه شرکت نیشکر هفت تپه را از زبان یکی از کارگران نقل میکند:

"همان گونه که خبر دارید اعتصاب شکنان، نیروهای تحت فرمان ولایتمداران، خانه کارگری ها، پیروان شوراهای اسلامی و نیروهای بینابینی که بعنوان مصداق یکی به نعل و یکی به میخ می زنند یعنی از اعتصاب شکنان و ولایتمداران دفاع و حمایت می کنند در همان حال نقش حمایت از ادامه دهندگان اعتصاب را نیز بازی می کنند، همگی دست به دست دادند و همراه با ماموران و سرکوبگران نظامی و اداری، کارفرما و مدیریت در اشکال مستقیم و غیر مستقیم شکستن اعتصاب را بر کارگران تحمیل کردند." [۳۰]

از همان روز دستگیری اسماعیل بخشی (از رهبران اعتصاب که در حال حاضر در زندان است) و دیگر نمایندگان جسور اعتصابی، سازماندهی اعتصاب، علیرغم تداوم اعتصاب دچار

ضعف های جدی شده بود. در چنین زمینه ای بود که نمایندگان سازشکار و خیانتکار، در حالیکه رفقایشان در سیاهچالهای بورژوازی زیر شکنجه بودند، به دیدار عوامل دولت و کارفرما رفتند. قبل از آن همین سازشکاران و خیانتکاران کانال ارتباطی و تبلیغی کارگران (کانال تلگرامی) را بدست گرفته بودند. یکی از نکات ضعف اعتراضات هفته تپه عدم تکرار مجمع عمومی و عدم استفاده از یکی از سنت های رایج جنبش کارگری «عزل و نصب نمایندگان» هر لحظه کارگران اراده کنند بود. اگر چنین اتفاق می افتاد نمایندگان سازشکار و خیانتکار خیلی زود جایشان را به نمایندگان رادیکال می دادند. با استفاده از این سنت کارگری بود که هم در روسیه و هم در آلمان کارگران رادیکال توانستند جایگزین کارگران سازشکار و خیانتکار شوند. نمایندگان باید منعکس کننده تصمیمات مبارزه جمعی باشند. همه تصمیمات و مذاکرات باید علنی باشد و مذاکرات پشت پرده جایی در سنت کارگری ندارد. کمبود رهبران جسور و زبده کارگری، عدم آمادگی در مقابل سرکوب پلیسی و ...

علیرغم شکست اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه، این اعتصاب ارزشمندترین و آموزنده ترین اعتصاب در ۴۰ سال اخیر در خاورمیانه بود. دستاوردهای همین شکست خیلی بیشتر از بسیاری پیروزی های دیگر بوده است. گرایش کمونیست انترناسیونالیست به چنین ضعف هائی نمی پردازد. وظیفه پایه ای انترناسیونالیستها دفاع از برنامه کمونیستی تا محو طبقات اجتماعی

است نه اینکه دنباله رو حوادث اجتماعی و یا حتی طبقه کارگر باشند، حتی اگر به انزوای بیشتر آنها در تشکلهای کارگری بینجامد.

### **ضرورت حزب کمونیست انترناسیونالیست**

شوراهای کارگری عالی ترین شکل تشکل کارگری هستند و کل طبقه را سوای از گرایشات درونی آن در بر میگیرد. شوراهای کارگری نطفه های اولیه دیکتاتوری پرولتاریا هستند. هم برای تکامل و گسترش مبارزه طبقاتی و هم برای پیروزی انقلاب کمونیستی، ضرورت تاریخی حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین المللی، ضروری است. گرایش کمونیست انترناسیونالیست نیز بدرستی بر این ضرورت تاکید می کند:

"شوراها تنها عرصه ای هستند که در آن مبارزه برای شیوه کاملاً جدید انجام کارها، در آنجا شکل میگیرد. در کنار شوراها، طبقه کارگر که در مسیر انقلاب گام برمیدارد، باید بین المللی و حزب سیاسی انترناسیونالیست خود را ایجاد کند که تمام درس های گذشته مبارزه طبقه کارگر را در برنامه کمونیستی جای داده باشد." [۳۱]

گرایش کمونیست انترناسیونالیست اگر چه بدرستی بر ضرورت حزب تاکید می کند، حزبی انترناسیونالیست و بین المللی که بدون آن مبارزه طبقاتی نهایتاً به سقف و محدودیت خود میرسد و نمی



تواند، افق جهان کمونیستی را داشته باشد، اما ابهاماتی نیز دارد. ابتدا ببینیم رفقا در این مورد چه می گویند:

"پیشگام و حزب، به عنوان ثمره نیاز به توسعه و پیشبرد مبارزه است که در صحنه ورود میکنند. به همین دلیل است که طبقه کارگر همیشه «حزب» خود را ایجاد می کند. می توان روی خوش شانس حساب باز کرد که در یک مکانی و در یک زمانی، هسته حزب آینده «با انجام وظایف خود» و با خود گذشتگی، به یکپارچه سازی و توسعه یک برنامه کاربرد، همت کند. اما اغلب اوقات این امکان وجود ندارد ... اما حتی در این صورت، آن هسته به عنوان جنین چنین حزبی به صحنه میاید. ما حالا شاهد آن در ایران هستیم، اما ما شاهد آن در آرژانتین در سالهای هفتاد و هشتاد نیز بودیم: حزب بدین خاطر شکل میگیرد که بدون ایجاد تعادل تاریخی، بدون چشم انداز روشن در مورد ویژگی جهانی طبقه کارگر (انترناسیونالیسم، سنترالیسم)، بدون دیدگاه اصیل کمونیستی، مبارزه طبقاتی نهایتاً به سقف و محدودیت خود میرسد." [۳۲]

ابهامات رفقا را به ترتیب بررسی می کنیم:  
اولاً کمونیستها و انترناسیونالیستها ضرورت تشکیل حزب کمونیست را نه از شرایط و ویژگی مبارزه طبقاتی در کشور بخصوصی و در مقطع زمانی خاصی بلکه از شرایط جهانی و ضرورت تاریخی

کسب می کنند. زمانی که مبارزه طبقاتی نه در کشور بخصوصی چه در سرمایه مטרوپل و چه سرمایه پیرامونی بلکه در سطح جهانی به سطحی ارتقاء یافت که جریانات کنونی دیگر پاسخگو نیستند و حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین المللی باید شکل بگیرد تا همچون یک قطب نمای سیاسی، با رهبری سیاسی پیروزی انقلاب کمونیستی را ممکن سازد.

ثانیا رفقا یک درک مکانیکی از تشکیل حزب ارائه میدهند وقتی می نویسند «ما حالا شاهد آن در ایران هستیم، اما ما شاهد آن در آرژانتین در سالهای هفتاد و هشتاد نیز بودیم». ما نه حالا شاهد آن در ایران هستیم و نه شاهد آن در آرژانتین بودیم. مبارزه طبقاتی بین سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ در ایران بسیار تکامل یافته تر از مبارزه طبقاتی در پائیز ۱۳۹۷ بود، چرا آن موقع شاهد آن نبودیم؟ مبارزه طبقاتی در سطح جهانی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در سطحی بالاتر قرار داشت، چرا تشکیل حزب کمونیست در دستور روز قرار نگرفت؟

ثالثا مبارزه طبقاتی در سطح جهانی در وضعیت دفاعی قرار دارد و در سالهای اخیر ما شاهد عقب نشینی هر چه بیشتر طبقه کارگر جهانی از هویت طبقاتی خود در سطح جهانی بوده ایم، لذا تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست وظیفه روز انترناسیونالیستها نیست، اما تلاش در این راستا و آماده سازی تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی برای این امر مهم، وظیفه روز و حیاتی انترناسیونالیستها است و باید در این راستا خستگی ناپذیر تلاش کنند. بعد از کنفرانسهای انترناسیونالیستی در اواخر دهه

۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ گرایش کمونیست انترناسیونالیست چه قدمی در این رابطه برداشته است؟ مبتکر کدام همکاریها و یا حتی مباحثات جدی در درون فضای سیاسی پرولتری بوده است؟ آیا همکاریها، مباحثات و حتی جدلهای تئوریک و کنفرانسهای انترناسیونالیستی گامهای اولیه در این راستا نیستند؟

رابعا رفقا بدرستی بر سانترالیسم تاکید می کنند که حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین المللی باید سانترالیست باشد. اما سوال اساسی این است چرا گرایش کمونیست انترناسیونالیست خودش سانترالیست نیست و شکل فدراتیو را دارد؟

به شرایط مشخص ایران برمیگردیم تا ارزیابی گرایش کمونیست انترناسیونالیست را از شرایط مشخص ایران و همچنین افقی که برای این شرایط مشخص ترسیم میکند، مشاهده کنیم:

"کارگران ایرانی ممکن است موقعیت و توان آنها داشتند که در یک یا چند شهر، هسته های حزبی را تشکیل دهند، اما آنها نیازمند هماهنگی فوری بین انقلابیون در سرتاسر کشور هستند که بتوانند حامل یک پیام واضح و قابل درک باشند. علاوه بر این، مبارزه اگر در ایران منزوی بماند به سختی می تواند موفق شود. کارگران ایرانی، نه در آینده بلکه در حال حاضر، نیازمند سازماندهی سیاسی کاربرد برای ایجاد آگاهی و راهنمای مبارزه اند، چیزی که همه ما بدان نیازمندیم." [۳۳]

اولا کارگران ایرانی در هیچ شهری توان و موقعیت آن را نداشتند که هسته های حزبی را تشکیل دهند، نوشتن چنین چیزی غیر مسئولانه است.

ثانیا این یک واقعیت است که جامعه ایرانی بشدت سیاسی است و یکی از سیاسی ترین کشورها در دنیا است. اما همین فضای سیاسی بشدت تحت تاثیر گرایشات راست و چپ سرمایه است. همین گرایشات نقش بزرگی در به شکست کشاندن مبارزه طبقاتی بین سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ ایفا کردند. همین گرایشات خطرات بزرگی برای تکامل مبارزه طبقاتی است. نوشتن "هماهنگی فوری بین انقلابیون در سرتاسر کشور" تنها بیانگر بیگانگی گرایش کمونیست انترناسیونالیست با فضای سیاسی ایران است.

ثالثا گرایش کمونیست انترناسیونالیست چه کمکی، حمایتی و یا تلاشی کرده برای شکلگیری گرایش یا گرایشات انقلابی در فضای سیاسی ایرانی کرده است؟

ما بارها تاکید کردیم در فضای سیاسی ایرانی زمانی که مبارزه طبقاتی در حالت دفاعی است و یا در مواقعی که ما شاهد اعتراضات اجتماعی مردمی هستیم، خطر گرایشات راست سرمایه یک تهدید جدی است، بخصوص که این گرایشات از طرف گانگسترهای غربی و عربی بشدت حمایت می شوند. گرایشات راست سرمایه نه تنها از حمایت میلیون دلاری برخوردار هستند بلکه از حمایت سیاسی و حتی اطلاعاتی نیز برخوردار هستند. اما با تشدید مبارزه طبقاتی و پیشروی طبقه کارگر، خطر گرایشات چپ سرمایه بیشتر از گرایشات راست سرمایه خواهد بود. در آن

مقطع چپ سرمایه، بخصوص جناح کلام رادیکال آن یک مانع جدی برای تکامل مبارزه طبقاتی خواهد بود. لذا، از یک سو افشای ماهیت بورژوائی و ضد انقلابی چپ سرمایه و از سوی دیگر کمک به شکلگیری محافل و گرایشات انترناسیونالیستی که گامی است در راستای شکلگیری حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین المللی آینده از اهمیت بخصوصی برخوردار است.

اگر اتحادیه های کارگری اولین سنگرهای هستند که پرولتاریا در شرایط انقلابی مجبور به تسخیر آنها است، جناح چپ سرمایه نیز سنگرهای هستند که انترناسیونالیستها تنها پس از بی اثر کردن آنها قادر به تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین المللی خواهند شد. لذا مبارزه با چپ سرمایه بخش مهمی از وظیفه برای آماده سازی حزب آینده است.

گرایش کمونیست انترناسیونالیست بعنوان یکی از جریانات اصلی کمونیست چپ و با تجربه غنی که در دفاع از مواضع پرولتاری کسب کرده است، هم مسئولیت بزرگی در فضای سیاسی پرولتاری دارد و هم از پتانسیل خوبی برای دخالتگری در مبارزه طبقاتی برخوردار است. آیا گرایش کمونیست انترناسیونالیست وظایف انترناسیونالیستی را بعنوان پیشقراول ایفا خواهد کرد؟ نگاهها و امیدها به این سو دوخته شده است.

م جهانگیری

۷ اردیبهشت ۱۳۹۸

## یادداشتها:

[۱] اطلاعات لازم برای تماس با گرایش کمونیست انترناسیونالیست بقرار زیر است:

• سایت: [www.leftcom.org](http://www.leftcom.org)

• ایمیل: [info@leftcom.org](mailto:info@leftcom.org)

[۲] به مقاله «اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه داری و مواضع انترناسیونالیستی» از صدای انترناسیونالیستی مراجعه شود.

[۳] به جزوه «درسهای از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف انترناسیونالیستی» از صدای انترناسیونالیستی مراجعه شود.

[۴] [بحران و خیزش مبارزه جویی کارگری در ایران](#)

[۵] [اعتصاب و-اعتراضات کارگران-ادامه-دارد](#)

[۵] [حزب طبقاتی در یرتو مبارزات کارگری در ایران](#)

[۷] [اعتصابات کارگری در ایران: این بار فرق میکند](#)

[۸] منبع ۶

[۹] منبع ۴

[۱۰] منبع ۴

[۱۱] منبع ۴

[۱۲] منبع ۴

[۱۳] منبع ۵

[۱۴] [http://www.bbc.com/persian/world/2011/09/110913\\_u04\\_america\\_poverty](http://www.bbc.com/persian/world/2011/09/110913_u04_america_poverty)

[۱۵] منبع ۵

[۱۶] به جزوه «تنش ها و توافقات امپریالیستی موضع و افق انترناسیونالیستی» از صدای انترناسیونالیستی مراجعه شود.

[۱۷] به مقاله «تشدید تنش های امپریالیستی تنها طبقه کارگر قادر است آینده ای ارائه دهد» از صدای انترناسیونالیستی مراجعه شود.

[۱۸] در اسفند ۱۳۹۷ شبکه ۴ تلویزیون بی بی سی مستندی تحت عنوان «فرمانده سایه» در چند بخش پخش کرد که به تفصیل به تمامی اینها می پردازد.

[۱۹] <http://www.bbcpersian.com/persian/iran-48036772>

[۲۰] <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-48458297>

[۲۱] منبع ۵

[۲۲] منبع ۴

[۲۳] منبع ۷

[۲۴] منبع ۷

[۲۵] [مصاحبه‌ی اختصاصی گام با اسماعیل بخشی، نماینده‌ی شورای کارگری هفتتپه](#)

[۲۶] منبع ۶

[۲۷] منبع ۵

[۲۸] منبع ۷

[۲۹] منبع ۷

[۳۰] منبع ۷

[۳۱] منبع ۴

[۳۲] منبع ۶

[۳۳] منبع ۶

## خطوط اصلی مواضع:

۱. جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. تنها دو آلترناتیو برای این سیستم وجود دارد: یا انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت.

۲. در عصر ما، طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی است و تنها این طبقه اجتماعی است که میتواند انقلاب کمونیستی را انجام دهد و به بربریت سرمایه داری پایان دهد.

۳. بعد از آنکه سرمایه داری وارد دوران انحطاط خود شد، اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانهای نظام سرمایه داری شدند. وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.

۴. در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراسی است. سرمایه داری دمکراسی و سرمایه داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه داری.

۵. تمامی جنبشهای ملی ضد انقلابی، بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی هستند. جنگ آزادیبخش ملی یک نیروی پیاده در اختلافات امپریالیستی است.

۶. علت شکست انقلاب اکتبر، شکست موج انقلاب جهانی، مخصوصاً شکست انقلاب آلمان که منتهی به انزوای انقلاب اکتبر و سپس منجر به انحطاط آن شد.



۷. تمامی احزاب چپ ارتجاعی هستند، استالینیستها، مائوئیستها، تروتسکیستها و آنارشپیستها رسمی و غیره دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می کنند.

۸. کلیه دولتهای به اصطلاح "سوسیالیست" یا "کمونیست" که در شوروی، اروپای شرقی، چین، کوبا و غیره بر سر کار آمدند تجلی شکل ویژه از بربریت سرمایه داری بوده و هستند، سرمایه داری دولتی.

۹. سازمان انقلابی پیشقراول پرولتاریا را تشکیل میدهد و یک فاکتور فعال در تکامل و تعمیم آگاهی طبقاتی است. سازمانهای انقلابی تنها میتوانند شکل اقلیت انقلابی به خود بگیرند که وظیفه شان نه سازماندهی طبقه کارگر یا کسب قدرت بجای طبقه کارگر، بلکه رهبری سیاسی – یک قطب نمای سیاسی است، بطوریکه شفافیت سیاسی سازمان انقلابی و نفوذ آن در طبقه کارگر از عناصر اصلی برای انقلاب کمونیستی هستند.

### تعلق سیاسی:

مواضع، نظرات و فعالیت گرایشات سیاسی پرولتری، محصولی از تجربیات گذشته طبقه کارگر و درسهایی که سازمانهای سیاسی طبقه کارگر در طول تاریخ این طبقه کسب کرده اند. لذا صدای انترناسیونالیستی ریشه های خود را در اتحادیه کمونیستها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم، مخصوصاً جناح چپ انترناسیونال سوم و فراکسیونهایی که در مقابل انحطاط انترناسیونال سوم وظیفه سترگ دفاع از مواضع پرولتری و کمونیستی را بر عهده گرفتند، فراکسیونهای هلندی – آلمانی و بویژه فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا میداند و از سنن چپ کمونیست دفاع می کند.